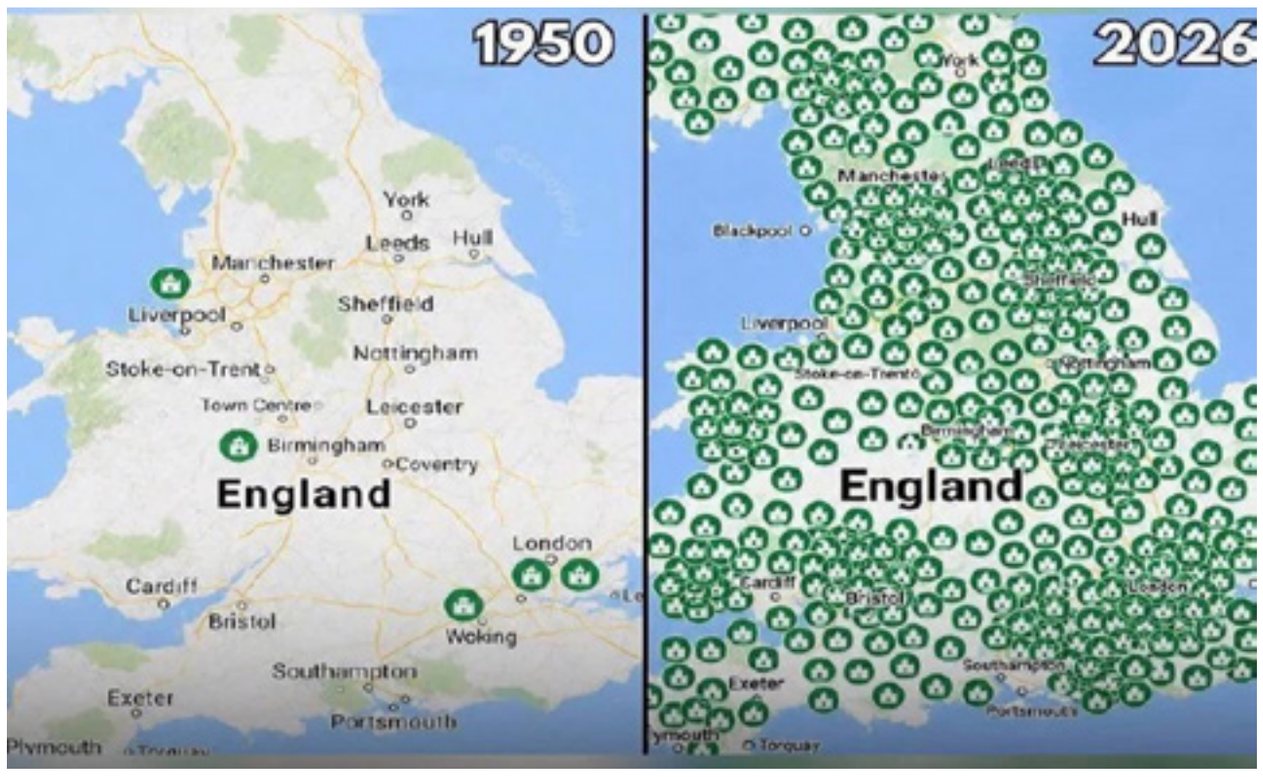


مساجد جهان در مسیر گسترش و کنشگری است

حجت‌الاسلام حمید مشهدی آقایی در گفت‌وگو با «جوان»:
مسجد فقط محل عبادت نیست، بلکه پایگاهی برای حفظ هویت، تولید گفتمان و کنشگری اجتماعی و سیاسی است



گفت‌وگو
مهسا گربندی

آمار و ارقام منتشرشده از چند کشور نشان می‌دهد که طی سال‌های اخیر، مساجد در نقاط مختلف جهان گسترش یافته است، روندی که تنها به کشورهای مسلمان محدود نمی‌شود و در کشورهایی چون امریکا، بریتانیا و ژاپن با وجود تفاوت در سهم جمعیت مسلمانان نیز قابل مشاهده است. بر اساس داده‌های منتشرشده از سوی مرکز پژوهشی پیو (یک اندیشکده امریکایی غیرحزبی است که در واشینگتن دی سی مستقر است) در سپتامبر ۲۰۲۶، تعداد مساجد امریکا از حدود هزار و ۲۰۰ مسجد در سال ۲۰۰۰ به حدود ۲ هزار و ۸۰۰ مسجد در سال ۲۰۲۰ رسیده است. به بیان دیگر، شمار مساجد طی دو دهه در امریکا حدود ۲/۳ برابر افزایش یافته است. در همین گزارش همچنین سال ۲۰۲۶، جمعیت مسلمانان امریکا را حدود ۵/۵ میلیون نفر برآورد کرده است، رقمی که در مقایسه با برآورد ۲/۴ میلیون نفری سال ۲۰۰۷ افزایش قابل توجهی را نشان می‌دهد. این دو آمار در کنار یکدیگر تصویری از گسترش جامعه مسلمانان و زیرساخت‌های مذهبی آن در امریکا به دست می‌دهند، اما آن سوی اقیانوس اطلس، بریتانیا نیز تصویری از گسترش تدریجی شبکه مساجد ارائه می‌کند. یک پایگاه تخصصی که داده‌های مساجد و نمازخانه‌های بریتانیا را گردآوری می‌کند، در آخرین داده‌های خود، هزار و ۸۹۵ مسجد را ثبت کرده است، این در حالی است که در همین مجموعه، تعداد مساجد در سال ۲۰۱۵، هزار و ۶۴۰ مورد، در سال ۲۰۱۷، هزار و ۷۸۰ مورد و در سال ۲۰۱۹، هزار و ۸۵۰ مورد ثبت شده بود. البته شیوه گردآوری این آمار را نیز باید در نظر گرفت.

این پایگاه تخصصی، مجموعه‌ای از مساجد، نمازخانه‌ها و دیگر مکان‌های مورد استفاده برای عبادت را جداگانه طبقه‌بندی می‌کند و برای هر دسته تعریف مشخصی دارد. در داده‌های سال ۲۰۲۶، مجموع مکان‌های فعال برای اقامه نماز ۲ هزار و ۱۸۷ مورد اعلام شده که از جمله شامل مسجد، نمازخانه اختصاصی و چند دسته دیگر است. در کنار این آمار، ژاپن نیز از جمله کشورهایی است که تعداد مساجدش افزایش یافته، کشوری که مسلمانان در آن اقلیت جمعیتی را تشکیل می‌دهند. پژوهش‌ها حاکی از آن است که در اوایل دهه ۱۹۸۰، تعداد مساجد ژاپن تنها حدود چهار مورد بود. حدود چهار دهه بعد، این شبکه به حدود ۱۵۰ مسجد رسیده است، تغییری که نشان‌دهنده شکل‌گیری فضایی بیشتر برای جوامع مسلمان در شهرهای مختلف ژاپن است. این نکته حائز اهمیت است که ژاپن نمونه‌ای متفاوت‌تری از کشورهای امریکا و بریتانیاست، چراکه در امریکا و بریتانیا، جوامع مسلمان در مقیاس بزرگ‌تری حضور دارند، اما در ژاپن، رشد شبکه مساجد در بستری رخ داده که جمعیت مسلمانان در آن نسبت به کل جمعیت کشور بسیار کوچک‌تر است. همین موضوع، تغییر جغرافیای مساجد در این کشور را قابل توجه می‌کند. پرواضح است که روش‌های شمارش، تعریف مسجد، سال‌های بررسی و کیفیت داده‌ها در این کشورها یکسان نیست، اما کنار هم قرار دادنشان، تصویری از یک واقعیت گسترده‌تر به دست می‌دهد، اینکه در کشورهای مختلف، شبکه فیزیکی و نهادی مساجد طی دهه‌های اخیر توسعه پیدا کرده است.

■ مسجد در غرب از کانون هویت تا سنگر کنشگری

حجت‌الاسلام حمید مشهدی آقایی، مشاور راهبردی رئیس شورای سیاستگذاری ائمه جمعه کشور در گفت‌وگو با «جوان» توضیح می‌دهد که افزایش شمار مساجد در امریکا، بریتانیا و ژاپن، فراتر از رشد جمعیت مسلمانان، چه نسبتی با هویت‌یابی، خدمات اجتماعی و حضور سیاسی مسلمانان دارد.

حجت‌الاسلام مشهدی آقایی در توضیح روند افزایش شمار مساجد در کشورهای غربی و شرق آسیا می‌گوید: «در دهه گذشته، هم در کشورهای غربی و هم در کشورهای شرق آسیا شمار مساجد افزایش چشمگیری پیدا کرده است. آمارهایی که الان در امریکا، بریتانیا و ژاپن وجود دارد، این رشد کمی را نشان می‌دهد.»

به عقیده او، مسجد تنها پاسخی به نیاز روزافزون برای برگزاری نماز نیست، بلکه می‌تواند پاسخی به نیاز مسلمانان برای یافتن فضایی مشترک در جامعه‌ای باشد که خود را در آن اقلیت می‌بینند. همین مسئله، بحث را از شمار مساجد به کارکرد آنها می‌کشاند.

مشهدی آقایی برای توضیح جایگاه مسجد در جوامع غیرمسلمان از تجربه زندگی اجتماعی در ایران صحبت می‌کند، جایی که به گفته او، افراد برای گردهمایی و برقراری ارتباط، به فضاهای متنوعی دسترسی دارند. او این وضعیت را با شرایط مسلمانان در برخی کشورهای اروپایی مقایسه می‌کند و می‌گوید: «ما در ایران جاهای زیادی داریم که دور هم جمع شویم، پارک داریم، ورزشگاه داریم، کانون‌های محلی و انجمن‌های محلی داریم، هیئت‌ها و حسینیه‌ها را داریم، مسجدها را هم داریم، ولی مثلاً در آلمان یا فرانسه اینطور نیست که فرد مسلمان بتواند به هر کانونی، باشگاهی یا انجمن محلی‌ای برود و همان ارتباطی را که نیاز دارد، برقرار کند.»

از نظر او، اقلیت بودن مسلمانان و شرایط فرهنگی و اجتماعی جامعه میزبان، می‌تواند نیاز به فضایی اختصاصی برای ارتباط و احساس تعلق را افزایش دهد. مسجد در چنین وضعیتی، محلی برای دیدار و گفت‌وگو با دیگر اعضای جامعه مسلمانان است، فضایی که در آن، فرد نه‌فقط مناسک دینی خود را به جا می‌آورد، بلکه امکان حفظ پیوندهای اجتماعی و فرهنگی‌اش را نیز پیدا می‌کند.

او با اشاره به همین کارکرد اظهار می‌دارد: «حتی کسانی که دنبال هویت ملی خودشان هستند، اگر ایرانی باشند یا مثلاً هویت عربی داشته باشند، به جایی نیاز دارند که در آن احساس امنیت کنند. این فضا صرفاً یک کافه، باشگاه، رستوران یا محل تجمع نیست. مسجد علاوه بر کارکرد عبادی، محلی است که افراد دور هم جمع می‌شوند، یکدیگر را می‌بینند و هویت ملی و دینی خودشان را حفظ می‌کنند.» مشهدی آقایی این نیاز را یکی از عوامل مؤثر در افزایش شمار مساجد می‌داند، عاملی که در کنار رشد جمعیت مسلمانان قرار می‌گیرد و به اعتقاد او، از شکل‌گیری نوعی بلوغ هویتی حکایت دارد. او در جمع‌بندی این بخش از بحث می‌گوید: «تردیدی نیست که جمعیت مسلمانان در اروپا و امریکا نسبت به گذشته خیلی فرق کرده و چند برابر شده است. اینکه امروز تعداد مساجد در اروپا و امریکا چند برابر شده، تابعی از چند برابر شدن جمعیت است، اما این تنها عامل نیست. به تعبیری می‌شود گفت که این روند بازتاب یک بلوغ هویتی هم است.»

■ مسجد کانونی برای حفظ هویت و ارتباط اجتماعی

اگر مسجد در جوامع غیرمسلمان به کانونی برای حفظ هویت و ارتباط اجتماعی تبدیل شود، بی‌تردید کارکردهای آن نیز می‌تواند از عبادت فراتر برود. مشهدی آقایی در ادامه به فعالیت‌های فرهنگی، پژوهشی و خدماتی برخی مساجد اشاره می‌کند، فعالیت‌هایی که به گفته او، در شماری از کشورهای اروپایی و آفریقایی بیشتر دیده می‌شوند و در ژاپن ممکن است محدودتر باشند.

او می‌گوید: «بسیاری از مساجدی که در کشورهای اروپایی داریم، محل گفت‌وگوهای مذهبی و پژوهشگرانه هستند. کتابخانه‌های خوبی فراهم کرده‌اند تا جمعیت مسلمان به آنجا مراجعه کند و از امکانات آن بهره ببرد. گاهی هم میهمانانی از کشورهای مختلف دعوت می‌کنند تا گفت‌وگوهای لازم انجام شود. البته گاه فعالیت این مراکز به کتابخانه و نشست‌های مذهبی محدود نمی‌ماند و می‌تواند نمایشگاه‌های فرهنگی، نمایشگاه کتاب، نمایش فیلم و خدمات اجتماعی را نیز دربر بگیرد. به این ترتیب، مسجد در کنار نقش عبادی خود، به یکی از مراکز عرضه خدمات فرهنگی و اجتماعی به جامعه مسلمانان تبدیل می‌شود.»

مشهدی آقایی برای توضیح تفاوت الگوهای مساجد در کشورهای مختلف به تجربه ایران اشاره می‌کند: «در ایران، مسجد می‌تواند در کنار نماز، کتابخانه، مرکز خدماتی و صندوق قرض‌الحسنه عام‌المنفعه هم داشته باشد. این مدل را حتی در کشورهایی مثل عراق هم به همین شکل نمی‌توان پیدا کرد.»

از نگاه او، همین تفاوت‌ها نشان می‌دهد که نمی‌توان کارکرد مسجد را در همه جوامع یکسان فرض کرد. پیشینه فرهنگی، شرایط اجتماعی و الگوهای مذهبی هر منطقه، در شکل فعالیت این مراکز اثر می‌گذارند، موضوعی که به اعتقاد او، مقایسه میان مساجد شرق آسیا، اروپا و امریکا و نیز بررسی تفاوت‌های موجود میان جوامع شیعه و اهل سنت را ضروری می‌کند.

■ آزادی ساخت مسجد به معنای آزادی همه فعالیت‌ها نیست

افزایش شمار مساجد در کشورهای غربی، سؤال دیگری را نیز مطرح می‌کند، اینکه این روند چگونه با وجود اسلام‌هراسی و حساسیت‌های سیاسی و فرهنگی نسبت به اسلام قابل توضیح است؟ آیا افزایش مساجد را می‌توان نشانه آزادی کامل مسلمانان در فعالیت‌های دینی و اجتماعی دانست؟

مشهدی آقایی معتقد است برای پاسخ به این سؤال، باید میان امکان ساخت مسجد و حدود فعالیت‌هایی که در آن شکل می‌گیرد، تفاوت قائل شد. او این احتمال را مطرح می‌کند که در برخی موارد، پذیرش مسجد با این انتظار همراه باشد که فعالیت آن در محدوده مناسک دینی باقی بماند و به عرصه‌های اجتماعی و سیاسی گسترش پیدا نکند.

او در توضیح این دیدگاه اظهار می‌دارد: «چه‌بسا آنها هم می‌گویند مسلمان‌ها جایی داشته باشند که در آن نماز بخوانند و عبادت کنند و نهایتاً یک جنبه اجتماعی هم پیدا کند، یعنی همان سکولاریسمی که در کلیسا پیاده کردند، جدایی دین از سیاست. مسجدی باشد که بگوید من فقط کار دینی می‌کنم و اصلاً وارد مسائل اجتماعی و سیاسی نمی‌شوم.»

مشهدی آقایی این رویکرد احتمالی را نوعی تلاش برای همسان‌سازی مسلمانان با ارزش‌های سکولار غربی تحلیل می‌کند، هرچند خود او نیز این موضوع را تنها یکی از ابعاد مسئله می‌داند و معتقد است میزان موفقیت چنین رویکردی در کشورهای اروپایی نیازمند بررسی جداگانه است. در تحلیل او، مسئله فقط حضور یک بنای مذهبی در فضای شهری نیست، بحث بر سر این است که مسجد تا چه اندازه می‌تواند در زندگی عمومی مسلمانان نقش داشته باشد و آیا فعالیت آن به عبادت محدود می‌ماند یا به عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نیز راه پیدا می‌کند.

■ رقابت بر سر الگوهای اسلام

مشهدی آقایی در ادامه، به نقش جریان‌های مذهبی و سیاسی در فعالیت مساجد می‌پردازد و بر این باور است این مراکز را نمی‌توان جدا از زمینه‌های فکری و جریان‌هایی که بر آنها اثر می‌گذارند، بررسی کرد: «مساجدی که در مناطق شیعه‌نشین هستند، ممکن است تحت تأثیر ایران، لبنانی‌ها یا عراقی‌ها باشند. در مناطق اهل سنت هم جریان‌های مختلفی وجود دارند، برخی تحت تأثیر ترکیه یا قطر هستند و برخی دیگر به جریان‌های مرتبط با امارات و عربستان نزدیکند. این موضوع البته خود یک تحلیل مفصل می‌خواهد.»

او سپس این بحث را به نحوه مواجهه دولت‌های غربی با جریان‌های مختلف اسلامی پیوند می‌زند. به باور او، در برخی موارد، حمایت از ساخت مسجد یا فعالیت‌های مذهبی می‌تواند در چارچوب ملاحظات سیاسی و تلاش برای ترویج تصویری خاص از اسلام قابل تحلیل باشد.

مشهدی آقایی این دیدگاه را با اشاره به آنچه تفاوت میان اسلام محدود به مناسک و اسلام پیوندخورده با کنشگری سیاسی می‌داند، توضیح می‌دهد. او همچنین به فعالیت برخی جریان‌های مذهبی شیعه در بریتانیا و دیگر کشورهای اروپایی اشاره می‌کند و می‌گوید: «در برخی از مساجد شیعه در بریتانیا و کشورهای اروپایی، جریان‌هایی فعالیت می‌کنند که به تعبیر من، شیعه انگلیسی هستند و در انگلیس و برخی کشورهای اروپایی فعالند و اعمالی مانند قمه‌زنی را ترویج می‌کنند.»

او با طرح این نمونه‌ها، مدعی است که برای فهم جایگاه مساجد در کشورهای غربی باید به تفاوت میان جریان‌های مذهبی و نوع فعالیت آنها نیز توجه کرد. این تحلیل، از نظر او بخشی از سؤال بزرگ‌تری است، اینکه چه نوع اسلامی در فضای عمومی مجال حضور پیدا می‌کند و مسجد در شکل دادن به این تصویر چه نقشی دارد؟

■ مسجد به‌مثابه سنگر

در برابر آنچه تلاش برای محدود کردن فعالیت مسجد به مناسک عبادی می‌داند، مشهدی آقایی بر ظرفیتی تأکید دارد که به اعتقاد او در نگاه انقلاب اسلامی به مسجد وجود دارد، ظرفیتی که مسجد را نه فقط محل عبادت، بلکه پایگاهی برای حفظ هویت، تولید گفتمان و کنشگری اجتماعی و سیاسی تعریف می‌کند.

او با اشاره به تعبیر امام‌خمینی(ره) درباره مسجد به‌عنوان سنگر می‌گوید: «با وجود همه تلاش‌هایی که غربی‌ها کردند، این تعبیر که مسجد سنگر است، در کشورهای غربی و میان مسلمانانی که آنجا زندگی می‌کنند، دارد بازتولید می‌شود. آنها فهمیده‌اند که مسجد فقط محل عبادت نیست، بلکه پایگاهی برای حفظ هویت، تولید گفتمان و کنشگری اجتماعی و سیاسی است.»

به باور او، این کارکرد را می‌توان در فعالیت‌هایی دید که مساجد و اجتماعات مسلمانان در برخی کشورهای غربی دنبال می‌کنند، از برنامه‌های فرهنگی و خدمات عام‌المنفعه گرفته تا تجمعات و حمایت از فلسطین و غزه. او همچنین به برگزاری مراسم عاشورا و تاسوعا و راهپیمایی روز قدس اشاره می‌کند و این فعالیت‌ها را نمونه‌هایی از پیوند میان هویت مذهبی و طرح مطالبات جمعی می‌داند. مشهدی آقایی می‌گوید: «مسجد می‌تواند یک سکو و پلتفرم برای طرح مطالبات مسلمان‌ها باشد، هم برای خود آن کشور و هم برای مسلمان‌های جهان. به تعبیری، می‌تواند مرکز مشارکت مدنی و مقاومت در برابر برخی سیاست‌ها باشد.»

او این ظرفیت را در چارچوب الگویی تفسیر می‌کند که به باورش، انقلاب اسلامی ایران در تعریف کارکرد مسجد مطرح کرده است، الگویی که در آن، عبادت از زندگی اجتماعی جدا نیست و مسجد می‌تواند بستری برای فعالیت‌های فرهنگی، خدمات عمومی و مشارکت سیاسی نیز باشد.

■ از مسجد اقلیت تا کانون تمدنی

آنچه برای مشهدی آقایی اهمیت بیشتری دارد، تغییری است که به اعتقادش در کارکرد مسجد در حال شکل‌گیری است، مسجدی که در ابتدا محل عبادت یک اقلیت مذهبی بوده، می‌تواند به فضایی برای حفظ هویت، ارتباط اجتماعی، ارائه خدمات فرهنگی و طرح مطالبات جمعی تبدیل شود. از نگاه این کارشناس، مسجد در این الگو دیگر صرفاً محل عبادت نیست، بلکه می‌تواند پایگاهی برای حفظ هویت، تولید گفتمان و کنشگری اجتماعی و سیاسی باشد. او معتقد است این الگو، راهی را قرار می‌دهد که می‌تواند به همسان‌سازی مسلمانان با فرهنگ مسلط غربی یا محدودکردن تصویر اسلام به جریان‌های خشونت‌گرا منتهی شوند.

مشهدی آقایی در تشریح این ظرفیت می‌گوید: «انقلاب اسلامی این راه سوم را تولید کرده است، جاری‌کردن مفهوم سنگر در مساجدی که در اروپا و امریکا فعالیت می‌کنند. این مساجد در کنار منبر و خطابه، مرکز اسلامی و فعالیت‌های خدمات عام‌المنفعه دارند، سخنرانی‌های سیاسی برگزار می‌کنند، از فلسطین و غزه حمایت می‌کنند، در مناسبت‌های عاشورا و تاسوعا حضور دارند و راهپیمایی روز قدس را برگزار می‌کنند.»

به باور او، چنین کارکردهایی مسجد را به بستری برای بیان مطالبات مسلمانان، مشارکت مدنی و مقاومت در برابر برخی سیاست‌ها تبدیل می‌کند؛ بستری که می‌تواند هم مسائل و مطالبات مسلمانان در کشور محل سکونتشان را بازتاب دهد و هم زمینه‌ای برای همراهی با دغدغه‌های جهان اسلام باشد. او در پایان، این تحول را فراتر رفتن مسجد از کارکرد عبادی و تبدیل‌شدن آن به یک کانون اجتماعی و فرهنگی می‌داند: «با این حساب، مسجدی که محل نماز یک جمعیت اقلیت مذهبی بوده، تبدیل می‌شود به کانون تمدنی. این تحولی است که در حال اتفاق‌افتادن است و بنیانگذار این قضیه، ایران اسلامی بوده است.»



> در دهه گذشته، هم در کشورهای غربی و هم در کشورهای شرق آسیا شمار مساجد افزایش چشمگیری پیدا کرده است. آمارهایی که الان در امریکا، بریتانیا و ژاپن وجود دارد، این رشد کمی را نشان می‌دهد. مسجد تنها پاسخی به نیاز روزافزون برای برگزاری نماز نیست، بلکه می‌تواند پاسخی به نیاز مسلمانان برای یافتن فضایی مشترک در جامعه‌ای باشد که خود را در آن اقلیت می‌بینند. همین مسئله، بحث را از شمار مساجد به کارکرد آنها می‌کشاند